

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره سوم - خرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۹

فمینیست و سیر تحول آن در ادبیات پس از انقلاب اسلامی

(ص ۹۳-۱۱۰)

برهان رازیانی^۲، اکبر صالحی^۳ (نویسنده مسئول)، سیدمهدی سجادی^۴، علیرضا محمود نیا^۵

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۷

چکیده

ادبیات یکی از عرصه‌هایی است که زنان ایرانی در آن خوش درخشیده و فرصتی را برای آنان فراهم میکند تا موقعیت اجتماعی و خواسته‌های خود را مطرح کنند. هر نویسنده‌ای در بیان دیدگاه خود از شیوه‌های کارآمدی در حیطه ادبیات بهره میگیرد. رمان از جمله قالبهای متنوعی است که بسیاری از زنان نویسنده در نمایاندن واقعیت‌های ملموس جامعه از آن استفاده کرده‌اند. نویسندگان زن معاصر از جمله سیمین دانشور در آثار خود به بازتاب مسائل زنان توجهی خاص داشتند. هدف از نگاشتن این مقاله بررسی فمینیست و سیر تحول آن در ادبیات پس از انقلاب اسلامی با روش کیفی - توصیفی میباشد لذا تمرکز و توجه به کم و کیف دانش تولید شده در حوزه زنان از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، با هدف نمایانسازی روند طی شده در دهه‌های اخیر، مورد بررسی پژوهشهای انجام شده بوده، از مهمترین یافته‌های این پژوهش این است که، در عرصه ادبی دوره بعد از انقلاب اسلامی را میتوان دوره تثبیت جایگاه زنان در حوزه داستان نویسی به شمار آورد.

کلمات کلیدی: فمینیست - سیر تحول - ادبیات - انقلاب اسلامی - سیمین دانشور

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

^۲ - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، پردیس بین الملل خوارزمی (borhanrazyani@yahoo.com)

^۳ - استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (salehidji2@yahoo.com)

^۴ - استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس تهران (sajadism@modares.ac.ir)

^۵ - دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی تهران (alirezamahmmudnia@yahoo.com)

Feminism and it's evolution in post-revolution literature

Borahn Razyani¹, Akbar Salehi² (correspondent author),
Syyed Mehdi Sajadi³, Alireza mahmmodnia⁴

Abstract:

Literature is one of the arena in which iranian's women appeared well and gave them he chance to express their sociat sitation and wishes. Every writer benefits effective ways to express his or her view points in the field of literature novel is one of the various forms used by many writer women to show the society's tangible facts.

Contemporary female writers particularly simin daneshwar paid special attention to show women issues in her works.there for the aim of writing this essay is to study feminism and literature evolution after islamic revolution both qualitatively and descriptively.thus,attention to the quality of the produced knowledge related to women from the beginning of the islamic revolution to the present time to show the followed way in recent decades has been studied in researchers done.of the most important findings of this research (study) is to recognize the period of stabilization of women's place in the field of story writing in literary arena after islamic revolution.

Keywords: Feminism, evolution, literature, islamic revolution, simin daneshwar

¹ . Ph.D. student of Philosophy of Education, Kharazmi International Campus of Karaj, iran. Email: borhanrazyani@yahoo.com

² . Assistant Professor of Philosophy of Education, University of Kharazmi, Tehran, iran. Email: salehihidji2@yahoo.com

³ . Professor of Philosophy of Education, department of Educational sciences faculty of Hutments sciences , Tarbiat modares university Tehran, iran. Email: sajadism@modares.ac.ir

⁴ . associated Professor of Philosophy of Education, University of Kharazmi, Tehran, iran. Email: alirezamahmudnia@yahoo.com

۱- مقدمه

همواره در طول گذشته پر فراز و نشیب انسان، در خصوص چگونگی و نوع نگاه به نقش دختران و زنان، در ادوار تاریخی و مناطق جغرافیایی مختلف، نظرات گوناگون و متنوعی به چشم میخورد. همانگونه که کاستلز (عصر اطلاعات، قدرت هویت) تصریح میکند: "ابعاد دگرگون شدن آگاهی زنان و ارزشهای اجتماعی در اکثر جوامع، آن هم در کمتر از سه دهه شگفت‌انگیز است. این مساله در ایران در درجه نخست متأثر از تاریخ این مرز و بوم، ادبیات و آداب و سنن گذشتگان است. سپس گرایشهای دینی و مذهبی و ظهور جنبشهایی همچون مشروطیت و انقلاب اسلامی و در نتیجه پیدایش افکار و اندیشه‌های فمینیستی در دفاع از حقوق زنان و تلاش برای احیای آن بی‌تاثیر نبوده است." بنا بر این با ظهور اندیشه‌های فمینیستی در ایران وضعیت زنان تحت‌تاثیر این اندیشه‌ها قرار گرفت و در گفتمان فمینیستی در گوشه و کنار کشور دیدگاههای اعتراض‌آمیز و منتقدانه‌ای به وضعیت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، ادبی، آموزشی و سیاسی مطرح شد. (سیمای زن در پویه تاریخ ایران: ص ۴۳).

«فمینیسم»^۱ در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از ریشه لاتینی «فمینا»^۲ «به معنای «زن» اخذ شده است (فمینیسم: ص ۳۰). این مفهوم از نظر اصطلاحی، به دو معنای «برابری زن و مرد» و «آزادی زنان» اشاره دارد (فرهنگ پیشرو آریانپو: ص ۲۸). در چهارچوب مقوله نخست، فمینیسم به معنای نظریه‌ای است که معتقد به تساوی فرصتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان با مردان است. لیکن در مقوله دوم، فمینیسم نهضت یا جنبشی اجتماعی است که در پی نهادینه ساختن برابری کامل زنان با مردان است (فمینیسم، ص ۱۱). و اینکه جنسیت با عملکرد تحصیلی مرتبط است (دل‌بستگی به معلم درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر: ص ۱۲۱).

از طرفی دیدگاه فمینیسم، رویکرد‌های درباره زندگی اجتماعی را از نقطه نظر زنان، به عنوان گروههای زیان‌دیده، از نظر اجتماعی ارائه میدهد و بر این فرض استوار است که هویت مردانه و زنانه بطور اجتماعی شکل می‌یابد (بارت و فیلیپس^۳، Destabilizing Theory: Contemporary Feminist Debates (۱۹۹۲)).

بل هوکس^۴ (Feminism is For Everybody: Passionate Politics ۲۰۰۰) تصریح میکند که در تصور عموم مردم، فمینیسم برنامه و تدبیری ضد مردانه است. مارتین معتقد

^۱- Femindm

^۲- Femina

^۳- Barrett M. and A. Philips

^۴- Hooks

است که ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع امروزی بر اساس بی‌ارزش شمردن، فرودستی و استثمار زنان شکل گرفته است (8: Domestic Violence).

در مورد پیدایش فمینیسم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. طبق عقیده افن^۱ اصطلاح فمینیسم به ندرت قبل از قرن بیستم وجود داشت. اصطلاح مزبور از دهه ۱۸۹۰ در فرانسه به خدمت گرفته شد (126: Defining Feminism). بر همین اساس هیچ تصور ایده آل، ثابت و از پیش تعیین شده‌ای برای تعریف فمینیسم وجود ندارد (دلمار^۲، What is feminism). با این همه، یک چنین نهضتی به معنای دقیق آن، در قرن نوزدهم در فرانسه، شکل گرفت و گسترش یافت و نام فرانسوی (feminism) را به خود گرفت (چهار تعلق از فمینیسم: ص ۲۰).

این جنبش «فمینیسم» به سرعت سیر حرکت خود را از جامعه‌شناسی به سوی دیگر رشته‌ها سوق داد و در دل ادبیات نیز راه یافت و حرکتی انتقادی و شورشی را در ادبیات داستانی بنیاد نهاد که نه تنها، جهان متن را تحت تاثیر نگاه تازه خود قرار داد، بلکه نقش ارزشمندی نیز در مبارزه برای پایان دادن به ستم در جهان خارج از متن بازی میکند (درسنامه نظریه و نقد ادبی، ص ۳۲۸). علت اصلی پذیرش این نوع تفکر در ادبیات داستانی آن بود که زنان نویسندگان به دنبال راهی بودند تا صدای برابری خود را با ابزاری به نام ادبیات منتقل کنند.

اندیشه‌های فمینیستی نخستین بار در دوران مشروطه وارد ایران شد. در این دوره، وضعیت زنان نیز همپای سایر اقشار اجتماعی تغییر کرد (جامعه‌شناسی سیاسی: ص ۲۹۱). و آثار شگرفی در تغییر نگرش‌های زنان برجای گذاشت. با وقوع کودتا و به قدرت رسیدن رضا شاه، موجی جدید از افکار فمینیستی وارد ایران شد. (جنبش زنان؛ مفهومی نظری یا واقعیتی جامعه‌شناختی: ص ۴۵۰).

اندکی قبل از جریان مشروطه، نخستین انجمن مقلد فمینیسم در کشور ایران، با عنوان «انجمن آزادی زنان» تاسیس گردید و نشریات و مطبوعات مروج فمینیسم نظیر، صور اسرافیل، ندای وطن و غیره به ترویج عقاید فمینیستی در ایران پرداختند، اما با وجود این تلاشها هنوز هم زنان خلق شده در داستانهای مردان در اکثر اوقات «موجوداتی کم عقل و احساساتی به شمار می‌آیند» (فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی به ادبیات ایران، ص ۶۰). از سوی دیگر در همین ایام مردانی بودند که سعی در التیام چهره مخدوش زن ایرانی در عرصه ادبیات داستانی را داشتند، میتوان از صادق هدایت نام برد که در داستانهای خود نگرشی مدرن به زن انداخت و در مقابل دوگانگی پاک (مرد) و ناپاک (زن) در شاکار ادبی

^۱- Offeen

^۲- Delmar

خود، بوف کور دوگانگی اثیری (زن) / خنزر پنزری (مرد) را گذاشت (فراسوی پست مدرنیته، ص ۷۰).

جان استورات میل اظهار میکند که ادبیات زنان، بطور کلی و از نظر ویژگیهای اصلی، تقلیدی از ادبیات مردان بوده است و زنانی که به نوشتن روی می آورند، شاگردان نویسندگان مرد به شمار میرفتند و برای اینکه ادبیات زنان بتوانند از این نفوذ رها شوند و فردیت خود را محقق کنند(انقیاد زنان).

در این دوران (سنت زنانه نویسی)، نویسندگان زن معیارهای مذکر را تقلید و درون گیری میکردند. آنها محدودیتهای معینی را در توصیف میپذیرفتند. در واقع ایدئولوژی مردسالارانه ای که کارهای مشخصی مانند نوشتن را برای زنان خوب نامناسب میدانست. سبب شده بود که زنان نویسنده هنر خود را با توقعات مرد سالارانه منطبق کنند یا عواقب امتناع از این کار را بپذیرند(راهنمایی نظریه ادبی معاصر، ص ۱۲۵).

اساسی ترین اصل برای شروع یک حرکت ماندگار در عرصه ادبیات برای زنان، همه گیر شدن آموزش خواندن و نوشتن بود. در اوایل دهه ۱۲۸۰ شرایط جامعه به زنان اجازه خواندن و نوشتن را نمیداد. در دوران سلطنت قاجار بعضی خانواده ها به دخترانشان اجازه دادند تا خواندن و نوشتن و یادگیری را بیاموزند، این در حالی بود که یادگیری نوشتن همچنان برای زنان امری ممنوع به حساب می آمد، زیرا « مردم بر این باور بودند که اگر زنان نوشتن را بیاموزند نامه های عاشقانه به مردان می نویسند و موجب ننگ خود و خانواده هایشان می شوند» (جنبش حقوق زنان در ایران، ص ۵۴). از سوی دیگر در این دوران حرکتهای جاندار و موثری از سوی زنان در حال شکل گیری بود که موجب رواج سواد و همچنین رشد شعور اجتماعی زنان گردید که مهمترین آنها: انتشار نشریات زنانه، گشایش مدارس دخترانه و همچنین شکل دهی سازمان زنان بود. گرچه « در این دوران هنوز نسبت زنان ادیب، نویسنده و شاعر به مردان بسیار ناچیز و قابل چشم پوشی است و همچنان زنان موضوع کار مردان هستند » (چون سبوی تشنه، ص ۲۸۰)، اما رشد سواد و تشکیل انجمنهای زنانه از جمله اقداماتی بود که زنان را به استقلال و کسب هویت نزدیک مینمود. شاید به همین خاطر بود که پس از همه گیر شدن سواد و گسترش فعالیتهای ادبی زنان، بیش از همه چیز به رمان گرایش پیدا کردند، چونکه رمان، انعکاس خط مشی فرد در جستجوی تمامیت، انسجام و هویتی بود که فرد، تصویر آن را عمیقا در ذهن دارد (ادبیات داستانی، رمان و واقعیتهای اجتماعی، ص ۱۵۹).

از طرفی میتوان گفت نشریات تاثیر عمده ای در روند برابری خواهی زنان در طول تاریخ صد سال گذشته ایران داشته اند و علاوه بر آگاهی دادن به زنان و تاکید بر اهمیت تولیدات فرهنگی پذیرش احترام به حقوق زنان در خانواده و اجتماع، اثرات مهم و عمیقی نیز بر

حرکت زنانه نویسی داشته و آنرا به سمت یک جریان مستقل هدایت کرده اند. زیرا در این نشریات بیش از هر چیز بر خواسته های زنان به عنوان موجوداتی مستقل و صاحب حقوق فردی و اجتماعی تاکید میگردد. این امر به آرامی زمینه را برای رشد سواد و کسب حقوق مدنی برای زنان فراهم نمود، از طرف دیگر درفضاهای خصوصی و خانوادگی نیز تغییر نگرش زنان به جنس خود موجب تغییر در روابط آنان با مردان نیز گردید.

تفسیر زنان به عنوان موجوداتی که از مردان جدا هستند و توجه به حقوق پامال شده آنها سبب شکل گیری ادبیاتی، خاص آنان گردید که همواره در پی تلاش برای نمایاندن حقوق از دست رفته زنان و نادیده انگاشته شدن شخصیت مستقل آنان است. اگر چه بعضیها با اصطلاح ادبیات زنان مخالف هستند و بر این باورند که ادبیات زنان به شکل مستقل از پیکره ادبیات وجود ندارد، از جمله آنان ناتالی ساروت است که در این باره میگوید: « ادبیات زنان به معنای دقیق آن وجود ندارد، همانطور که نمیتواند از ریاضی زنان یا موسیقی زنانه سخن گفت. به نظر من فقط ادبیات وجود دارد، البته از نویسندگان زن میتوان سخن گفت، اما موقعی که آثار آنها را میخوانم به هیچ وجه احساس نمیکنم که نوشته زنانه میخوانم. من معتقدم زمانی که یک نویسنده زن مینویسد «من» او دیگر وجود ندارد. ابلهانه است که رمان را از روی جنسیت نویسنده داوری کنیم» (ایران در جستجوی مدرنیته، ص ۴۰).

از سوی نظام آموزشی هر جامعه نقش مهمی در نهادینه ساختن نقشها، وظایف و تعیین جایگاه اجتماعی دارد بنابراین میتوان گفت چنین تفاوتها در القاء نقش و جایگاه دختران و پسران نخست از جنبه قانونی و حقوقی و دوم از بعد نظام آموزشی است. زیرا نظام آموزشی در آماده کردن دختران و پسران برای پذیرش اینگونه نقشها، نقش مهمی دارند و از طریق جامعه‌پذیری^۱ و درونی کردن ارزشها^۲ تلاش میکند آنها را برای زندگی آینده آماده سازد(جامعه شناسی و آموزش و پرورش). بنابراین نوع آموزشی که دختران و پسران برای آمادگی در نقشهای خود از نظام آموزشی دریافت میکنند، بسیار مهم است.

بنابراین فلاسفه یونان هم با انتقاد از وضع تعلیم و تربیت زمان خود به دفاع از حقوق تربیتی زنان و دختران در برنامه‌های آموزشی خود پرداختند. درمیان آنها فیلسوفانی همچون ارسطو مخالف تربیت زنان بوده و معتقد بود زنان بجای تربیت بایستی وقت خود را در جهت مصاحبت با بردگان و امور منزل کنند(تاریخ اندیشه‌های تربیتی).

و شاید بتوان گفت در نظام آموزشی ارسطو زنان و دختران حق چندانی از آموزش نداشتند. بعد از آنها فلاسفه دیگری همچون روسو بین ویژگی مرد و زن تمایز قائل شده و

^۱- socialization

^۲- internalization of values

برای تربیت زن و مرد تفاوت‌های در اهداف و برنامه تربیتی خود در نظر میگیرد چرا که به نظر او منش ایده آل یک زن متفاوت از منش ایده آل یک مرد است، مرد میخواهد یک شهروند خوب بوده و زن نیز باید یک شخص خصوصی مناسب باشد (روش تحقیق کیفی، ج ۱، ص ۳۰۰). آنچه مسلم است پیدایش این آراء و نظرات مختلف اعم از تند یا معتدل درباره مسائل زنان و دختران و در پی آن، مطرح کردن تساوی حقوق زن و مرد در تمام جهات و آنچه امروزه به نام «فمینیسم» معروف شده، در واقع نوعی واکنش به محرومیتها و مظلومیت‌هایی است که در گذشته و حتی اکنون بر زنان و دختران رفته است و این نتیجه عملکرد غلط و نادرست دست اندرکاران و صاحبان قدرت نسبت به این قشر عظیم انسانی است. و حال آنکه برخی ادعا میکنند «دستیابی دختران به فرصتهای آموزشی مساوی در دوره عمومی میتواند دارای اثرات و تبعات بسیار مثبتی نظیر ارتقای بهداشت جامعه، کاهش رشد جمعیت، افزایش تولید و در آمد ملی، حفظ محیط زیست، سلامت کودکان و مادران باشد.» (مجله تعلیم و تربیت، ص ۴۷).

۲- ضرورت انجام پژوهش

جنبشهای فمینیستی دارای موفقیتها و دستاوردهای ظاهرا وسیع و فراوانی در زمینه ادبیات و کسب حقوق و امتیازات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده اند. وضعیت زنان از نظر آموزشی، کسب مشاغل، حضور در رده‌های بالای مسئولیت سیاسی، مدیریت اقتصادی و... در بسیاری موارد بهبود پیدا کرده است (اگر زنان با مردان برابری پس چرا؟، ص ۱۸). کسب استقلال اقتصادی و برخورداری از حقوق مالکیت، ارث و بطور کلی، تساوی حقوقی، اولین و شاید مهمترین دستاورد جنبش فمینیسم محسوب گردد. یکی دیگر از دستاوردها، ورود زنان به عرصه آموزش عالی میباشد بگونه‌ای که در بسیاری از کشورهای غربی و برخی کشورهای در حال توسعه، زنان اکثریت کرسیهای دانشگاهی را به خود اختصاص داده اند (به سوی جامعه ای نوع دوست‌تر). در این راستا میتوان به دستاوردهای فمینیسم از جمله حق رای برای زنان، بهبود شرایط اجتماعی، طرح‌ریزی فمینیسم بین‌المللی به منظور ایجاد ارتباط بین زنان جهان، گنجانده شدن اصل "کار مساوی، مزد مساوی" در کنوانسیون جامعه بین‌الملل، بهره‌مندی زنان از موقعیت خود برای حمایت از صلح و اجتناب از خشونت و... میتوان اشاره کرد (فمینیسم، ص ۹۳). که اهمیت موضوع این پژوهش را از بعد نظری تبیین میکند.

اهمیت این پژوهش ضرورت پرداختن به پیشرفتهای فمینیست، در زمینه های ادبی بخصوص داستان نویسی و رمان میباشد که در بعد از انقلاب دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است و نویسندگانی مانند سیمین دانشور و فریبا وفی و دیگران در این زمینه فعالیتهای چشمگیری داشته اند. در آثار فمینیستهای معاصر و مدافع حقوق و جایگاه زن، با توجه به

نوشتن رمان و داستانهای ادبی، مقالات و منابع متعددی از این نویسندگان که به نوعی بیانگر داشتن نگاه نقادانه به وضع فعلی زنان ایرانی در همه زمینه‌ها می‌باشد و این آثار در تحول وضعیت زنان در زمینه ادبی در بعد از انقلاب بی‌تاثیر نبوده است لذا موضوع فمینیست و سیر تحول آن در ادبیات پس از انقلاب اسلامی، اهمیت و ارزش پژوهش را دارد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از آن جهت که به توصیف و شناخت شرایط موجود پرداخته، توصیفی و از نوع پژوهشهای بنیادی و به دلیل تحلیل و استنتاج صورت گرفته، از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد.

روش انجام این پژوهش، براساس مطالعه و فیش‌برداری از متون مصوبات و قوانین آموزشی، مبانی نظری سند تحول بنیادین و برنامه‌های توسعه و تحلیل و تفسیر آنها با بهره‌گیری از سایتهای اطلاعاتی مرتبط، کتب و مقالات، جهت جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر سوالات پژوهش، می‌باشد.

۴- مرور ادبی

از آغاز تحولات مشروطه تا سال ۱۳۱۰ که داستان نویسی ایران سالهای آغازین خود را می‌گذراند، نام هیچ زنی در تاریخ داستان نویسی نیامده است تنها اثر زنانه ای که در این سالها میتوان از آن یاد کرد کتاب خاطرات تاج السلطنه است که به تشویق معلمش، سلیمان سپهبدی در سال ۱۳۰۳ نوشته شد. « این خاطرات، تاریخ زندگی اوست و به نوعی میتوان آنرا یک رمان تاریخی نیز قلمداد کرد» (زن و ادبیات سیاسی ایران، ص ۱۸۵). البته این اثر را نمیتوان بدرستی آغازی برای شروع داستان نویسی زنان به حساب آورد.

از طرفی دیگر نخستین تلاشهای داستان نویسان زن ایرانی در دهه سوم قرن جاری صورت گرفت، زمانی که پس از چندین دهه غیبت داستان نویسان زن ایرانی، تعداد اندکی از زنان خانواده های مرفه و دارای نفوذ، که امکان تحصیل دانش در خارج از مرزهای کشور را داشتند و بر خلاف سایر زنان فرصت و مجالی برای نوشتن می‌یافتند، از طریق مطرح کردن حقوق زنان و نوشتن چندین داستان حضور خود را نمایان کردند. این بود که ابتدا ایران‌دخت تیمورتاش با انتشار داستان اجتماعی دختر تیره بخت و جوان بلهوس در سال ۱۳۰۹ پرچمدار ورود زنان به عرصه نویسندگی شد. زهرا خانلری نیز، پروین و پرویز را در سال ۱۳۱۲ و ژاله یا رهبر دوشیزگان در سال ۱۳۱۵ را منتشر کرد. و فخر عادل ارغون نیز در این دوره با نوشتن پاورقی ازدواج اجباری نام خود را در کنار داستان نویسان مرد پاورقی نویس تثبیت کرد. آثار منتشر شده از سوی داستان نویسان زن در این دوره به عنوان نخستین تلاشها از حیث شیوه های داستان نویسی تقلیدی صرف از آثار داستان

نویسان مرد تحت نفوذ کلیشه های ادبیات مردانه و بطور کامل عاری از خلاقیت هنری بود(تحول خود آگاهی در آثار داستان نویسان زن ایرانی بر اساس نظریه آلن شووالتر، ص ۲۸۸).

با اینکه در دهه بیست با ظهور سیمین دانشور از طریق انتشار مجموعه آتش خاموش اهمیت پیدا کرد، داستان نویسی رسمی زنان ایرانی بدون شک از ۱۳۳۰ شکل گرفت، چونکه در این دهه نام هشت داستان نویس زن به چشم میخورد از جمله آنها ملکه بقایی کرمانی با بوسه تلخ، بهین دخت دارایی با داستان حرمان، مهین توللی با مجموعه سنجاق مروارید، کیواندخت کیوانی با داستان جوانی، مریم ساوجی با داستان دختر راه و فرشته و نویسنده ای با نام مستعار ماه سیما که داستان زنجیرهای تقدیر منتشر کرد.

از طرفی شهرنوش پارسی پور از مهمترین نویسندگان زن در دهه پنجاه بود، او در نخستین رمانش، سگ و زمستان بلند(۱۳۵۵)، از زاویه دید دختری مرده به روایتگری میپردازد که در اثر برخورد با مشکلات مبارزی آزاد شده از زندان و رفاه طلبی طبقه متوسط دچار سرگشتگی عمیقی شده است. همچنین مجموعه داستانهای کوتاهش به نام آویزه های بلور در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. اما سومین اثر او که به نام تجربه های آزاد در سال ۱۳۵۷ منتشر گردید از جمله زنانه ترین آثاری بود که تا آن زمان چاپ شده بود(داستان نویسان معاصر ایران، ص ۳۷۲).

در دهه شصت علاوه بر نویسندگانی چون، سیمین دانشور گلی ترقی و شهرنوش پارسی پور زنان دیگری نیز وارد عرصه داستان نویسی شدند. از جمله آنان منیرو روانی پور بود که با اولین مجموعه داستانش کنیزو(۱۳۶۷) به عنوان نویسنده ای شهرت یافت که به رنجها و حسرتهای زنان در فضای وهمناک جنوب میپردازد او علاوه بر داستانهایش مطالبی راجع به مشکلات عاطفی و معیشتی زنان مینوشت. دهه اول انقلاب که هنوز دوره رکود قلمی زنان را طی میکرد، با آغاز دهه دوم(دهه هفتاد) جهشی اساسی یافت، مثلاً مجموعه داستان «مولود ششم» از منصوره شریف زاده در دهه دوم تبدیل به چندین مجموعه اثر ادبی شد، همچنین «نرگسها» و «زن شیشه ای» از راضیه تجار و «عالم و آدم» از مریم جمشیدی، «کوه های آسمان» از سمیرا اصلان پور، «سرود ارون رود» از منیژه آرمین، از آثاری است که طی دو سال پی در پی منتشر شدند. این در حالی است که مریم جمشیدی در این دهه علاوه بر کوههای آسمان، دو مجموعه داستان به نامهای گهواره چوبی و عالم و آدم را منتشر کرد که از محتوای آنها چنین برداشت میشود، که به ناراحتیها، گرفتاریها و مسائل ارزشی زنان پس از انقلاب اشاره دارد (نگاهی گذرا بر فعالیتهای بانوان داستان نویس در دو دهه اخیر، ص ۴۵).

بطور کلی دهه ۱۳۶۰ را باید دوره معرفی نویسندگان جوان به عرصه داستان‌نویسی دانست. هرچند از لحاظ کیفی آثار داستانی زنان در این برهه تفاوت آشکاری با سالهای پیش از آن ندارد، اما از این نظر که زمینه برای ورود نویسندگان زن بیشتری به این عرصه فراهم گردید، دوره مهمی در تاریخ داستان‌نویسی زنان محسوب میشود.

بنا بر آنچه در زمینه ادبیات در دهه‌های گذشته اتفاق افتاد، داستان‌نویسان زن ایرانی با عبور از مراحل مثل احساسات‌گرایی افراطی و عدم خلاقیت به جایگاهی مناسب برای مطالبه حقوق برابر رسیده و میتوان گفت که حتی از آن هم گذر کرده و در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به شناختی دیگرگونه از هویت فردی و موقعیت خود در جامعه دست یافت و با ورود به دوره مدرن و رویارویی با مسائلی از جمله مقوله هویت، که از مفاهیم خاص این دوره است، به بازتعریف جایگاه و نقش خود در خانواده و جامعه پرداخت و از این طریق مفاهیمی اینگونه را، که هسته اصلی تفکرات ایشان را شکل میدهد، وارد آثار و نوشته‌های داستانی خود کرد. گذشته از برخی از داستان‌نویسان شاخص دو دهه پنجاه و شصت که با موفقیت بیشتری کار خود را در دهه‌های اخیر ادامه داده اند، میتوان از زویا پیرزاد، فریبا وفی، فریبا کلهر، سپیده شاملو، شیوا ارسطویی، ناتاشا امیری، مهسا محب علی و روح انگیز شریفیان به عنوان نویسندگان داستانهای متعالی یا نخبه‌گرا و از نویسندگانی چون نازی صفوی، نسرین ثامنی، پرینوش صنیعی و فهیمه رحیمی به عنوان نویسندگان موفق در زمینه داستان‌نویسی عامه پسند نام برد (تحول خود آگاهی در آثار داستان‌نویسان زن ایرانی بر اساس نظریه آلن شووالتر، ص ۲۸۹).

دهه هفتاد، هم در بعد اجتماعی هم در بعد ادبی دوره روشنی در تاریخ زندگی زنان ایران است چرا که یکی از اهداف جنبش دوم خرداد و بطور کلی جریان روشنفکری پس از انقلاب «تردید در گفتمان غالب نسبت به زنان» و تلاش برای بازنگری در قانون اساسی و فرهنگ غالب بر جامعه بود (نقش جریان هویت ساز روشنفکری در توسعه حوزه عمومی، ص ۲۲)، که در این سالها سبب گشایشهای بیسابقه‌ای در امور زنان گردید. از سوی دیگر در عرصه ادبیات داستانی نیز، زنانی که از سالها پیش شروع به فعالیت کرده بودند، جایگاه مستحکمی در دل ادبیات داستانی یافتند و با اقتدار و اعتماد به نفس بیشتری، همراه و همپای مردان نویسنده، فرمهای نو داستان‌نویسی را به عنوان قالب آثار تازه‌شان بر میگزیدند.

همچنین دهه هفتاد را باید دهه‌ای برای محکم کردن جای پای زنان در بستر ادبیات داستانی دانست، اما این جریان رو به رشد در دهه هشتاد به شکل مستقلی از ادبیات داستانی فارسی تبدیل شد که با آنچه مردان مینوشتند تفاوت‌های آشکاری داشت. بنابراین میتوان دهه هشتاد را آغاز زنانه‌نویسی نامید. زیرا در آثار داستانی زنان دهه هشتاد،

جسارت در پرداختن به مسائلی که تاکنون در ادبیات زنان سابقه نداشت، بیش از پیش قوت می‌یابد و اعتراض علیه برتری مردان بر روابط اجتماعی و فردی به تم اصلی این آثار تبدیل میگردد، اما آنچه بیش از هر چیز در داستانهای زنانه دهه هشتاد تازگی دارد، شکل‌گیری جهان بینی و زبان زنانه و مستقل از جهان بینی و زبان مردانه است. همین امر را میتوان دلیل اصلی ادعای شکل‌گیری ادبیات زنان در این سالها دانست.

منیرو روانی‌پور در دهه ۱۳۸ هشتاد داستان زن فرودگاه فرانکفورت را نوشت و در آن به زندگی زنی نویسنده پرداخت. این موضوع موجب برجسته شدن تفاوت نگاه مردان نویسنده به زنان با نگاه زنان نویسنده به جنس خود بود. «قهرمانهای زنی که مردان آفریده اند، عامیتر میباشند یعنی به مردم کوچه وبازار شبیه ترند بر عکس، زنهایی که در آثار هنرمندان زن دیده میشوند روشنفکرترند» تاثیر انقلاب اسلامی در تبیین نقش زن در ادبیات، ص ۳). البته همه داستانهای این دهه چنین نیستند و گاهی با وجود پرداختن به زندگی ساده و یکنواخت یک زن خانه دار، بسیار مورد توجه خوانندگان آن قرار گرفته اند.

یکی از عرصه‌هایی که زن ایرانی در آن خوش درخشیده ادبیات است. ادبیات عرصه ای را برای زن ایرانی فراهم میکند تا موقعیت اجتماعی و خواسته های خود را مطرح کند. بنابراین زنان نویسنده که بی تردید از این تغییر و تحولات به دور نمانده اند با حضور جدی در عرصه ادبیات، خواسته و ناخواسته، مسائل و معضلات خود را در جریان این تحول در آثارشان منعکس کرده و تجربه زیستیشان را در قالب قهرمانان داستانها بطور واقعی و ملموس نشان داده اند. زنان نویسنده از این طریق در آثارشان برجایگاه و نقش زنان جامعه تاکید کرده اند. با مروری بر آثار زنان میتوان بوضوح دید که تصویر ارائه شده از زن باز نمود هویت زنانه در مجموعه داستان «حتی وقتی میخندیم» (حتی وقتی میخندیم: ص ۲۱۹-۲۴۵) در این آثار، تصویری جنسیتی و مسئله دار است. بدین معنی که نویسندگان زن در کشمکش میان ارزشهای دو قطبی جامعه، یعنی جامعه سنتی و جامعه مدرن و به عبارت دیگر میان جامعه مردسالار و جامعه فراجنسیتی هنوز سرگردان هستند (باز نمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی م خندیم، ص ۲۲۰).

وفی در همه رمانها و داستانهای کوتاهش سعی کرده است تا با روایت زندگی واقعی زنان و دختران، حقوق از دست رفته آنان را یادآوری و مطرح کند. به همین دلیل مسائل مربوط به زنان و دختران جامعه ایرانی در آثار وی نمود چشمگیر دارند. رمانها و داستانهای کوتاه او عرصه نمود تناقضها، تضادها، درگیریهها و دغدغه های زنان این مرز و بوم است. برخی از این مفاهیم بسادگی در سطح داستانها قابل مشاهده است، اما بسیاری از این مفاهیم بگونه ای در لایه های مختلف شخصیتی، اجتماعی و سیاسی داستان پیچیده شده اند که در نگاه اول به چشم نمی آیند. به همین دلیل بررسی و مشاهده تمام ابعاد و وجوه مشکلات زنان و

تعارض آنان با جامعه مردسالار در داستانهای فریبا وفی به ابزار و نظریه نیاز دارد که بتواند مفاهیم نامکشوف، ناپیدا و عمیق داستانهای او را آشکار سازد (باز نمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم، ص ۲۲۱).

هر نویسنده ای در بیان دیدگاه خود از شیوه های کارآمدی در حیطه ادبیات بهره می‌گیرد. رمان از جمله قالبهای متنوعی است که بسیاری از زنان نویسندگان در نمایاندن واقعیتهای ملموس جامعه از آن استفاده کرده اند. سیمین دانشور بانوی داستان نویسی ایران در آثار خود به بازتاب مسائل زنان توجهی خاص داشت. سووشون (۱۳۹۰) شاهکار دانشور در حوزه داستان نویسی است. از دیگر آثار وی میتوان به شهری چون بهشت (۱۳۸۱)، به کی سلام کنم؟ (۱۳۵۹)، جزیره سرگردانی (۱۳۸۰) و آتش خاموش (۱۳۷۷) اشاره کرد. دغدغه خاطر نویسنده ای مثل دانشور، نادیده انگاشتن هویت و جایگاه وجودی زن در جامعه است که به شکل زنانه نویسی در لایه های تو در تو آثارش نمودار میشود. دانشور در داستانهای خود مشکلات زنان ایران را به تصویر کشیده است (نقد تطبیقی دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار، ص ۱۷).

دانشور خیلی زود به ضرورت زنانه نویسی در ادبیات پی برد. دانشور به دیدگاه زنانه در آثار خودش اعتقاد دارد و همه آثار خود را متأثر از دیدگاهی زنانه میدانند، دیدی که موجب توصیف دقیق و صمیمی زندگی، حالات و احساسات شخصیتها در آثار نویسندگان زن میگردد. البته مقصود او از ادبیات زنانه، گرایشی است که میخواهد شان اجتماعی زن را بالا ببرد، ستم‌دیدگی را نشان دهد و او را آگاه کند که زن میتواند هم‌دوش مرد در کارهای اجتماعی مشارکت کند (نشانه های فمینیسم در آثار سیمین دانشور: ص ۸).

در اکثر داستانهای دانشور غم و اندوهی به چشم می‌خورد، و آن حاکی از محرومیت‌های است که زنان ایرانی با آن سروکار دارند. مهرانگیز در داستان شهری چون بهشت مجبور است به عنوان خدمت کار در خانه ارباب کار کند. یا در داستان به کی سلام کنم؟ زن تنها، کسی را ندارد تا حامی او باشد. «..... واقعا کی مانده بهش سلام کنم؟ خانم مدیر مرده، حاج اسماعیل گم شده، دکتر بیمه گفت: هر وقت دلت تنگ شد و کسی را نداشتی برایش درد دل کنی، بلند بلند با خودت حرف بزنی، یعنی خود آدم بشود عروسک سنگ صبور خودش.....» (شهری چون بهشت: ص ۶۷). یا باجی دلنواز، زن سیاهی از جنوب که در بچگی دزدیده شده و به عنوان خدمتکار به خانواده علی فروخته شده است حالا « ارباب سر پیری از خانه بیرونش کرده و هیچ جا هم ندارد برود (نقد تطبیقی دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار، ص ۱۸).

تنوع‌طلبی مردان در داستان مرز و نقاب و سرگذشت کوچه با دستاویز شرع مسئله ای است که شخصیت‌های زن با آن دست به گریبانند. سرگذشت کوچه داستان زنی را روایت

کرده است که شوهرش بر سرش هوو می آورد. مرد نه تنها از این عمل پشیمان نیست بلکه طلبکارانه زن را تهدید به طلاق میکند. « یک هفته قوت از گلوم پایین نمیرفت، دریغ از اینکه آقامون بیاد در اتاق احوالو بپرسه.....یک روز که حالم خیلی بد بود با خانوم بزرگ اومدن.....من رومو کردم به دیوار و شروع کردم به گریه، آقامون گفت مخلص کلام من مرد مسلمونم و میتونم تا چهارتا زن بگیرم بیخودی هم ادا اطوار در نیار، اگه سخته راهتو بکش و از این خونه برو، بد میکنم طلاقتو نمیدم.....؟» (شهری چون بهشت: ص ۶۷).

مهرانگیز کار نیز به عنوان یک روشنفکر و مدافع حقوق زنان در ایران دو جریان روشنفکری لائیک و روشنفکری دینی را مطرح میکند که در جهت احقاق حقوق زنان و دختران در ایران تلاش میکنند (امنیت قضایی زنان در ایران، ص ۴۲۲). بنابر آنچه گفته شد هدف اصلی طرح چنین ادعاهای از جانب فمینیست‌هایی همچون اعزازی و احمدی خراسانی، سیمین دانشور و مهر انگیز کار این بود که نشان دهند هنوز قوانین جامعه ما چگونه ای است که مرد سالاری حاکمیت دارد. «مرد سالاری نظام سازمان یافته از فرادستی مردان بر زنان و حاکمیت مردان بر زنان است» (Untangling Feminist Theory: ص ۵۳). احمدی خراسانی اشاره میکند شواهد موجود نشان میدهد زنان در خانواده ها، تحت انواع خشونت‌ها هستند ولی هیچ اجتماعی برای تغییر در این وضعیت صورت نمیگیرد- (احمدی زنان بی گذشته، ص ۸۳). شهلا اعزازی (۱۳۸۳) نیز عوامل ساختاری ایجاد خشونت و حفظ آن در ایران را ناشی از قدرت مردان در ابعاد: قانون، اقتصاد، سازمانهای نظارتی، سازمانهای حامی و پشتیبانی کننده میداند.

۵- خاستگاه فمینیسم پس از انقلاب اسلامی در ایران

در ایران، امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در عرصه های مختلف از جانب برخی از مدافعان تغییر وضعیت زنان در بعد از انقلاب، که به دفاع از وضعیت زنان ایران برخاسته اند تشدید گردید در این میان شهلا اعزازی، نوشین احمدی خراسانی، مهرانگیز کار، سیمین دانشور و شیرین عبادی، شهلا لاهیجی، منصوره اتحادیه، و همچنین موقعیت ویژه سیمین بهبهانی در مقام زنی مستقل در عرصه ادب و هنر با ابعادی اجتماعی (که مورد احترام همه دیدگاههای فکری بود) موضوع حمایت از زنان را در آثار و نوشته‌های خود به تصویر کشیدند. از نظر برخی از آنها زنان ایران در محرومیت قرار دارند و جامعه حقوق آنها را نادیده میگیرد (Gender Islamic Fundamentalism).

در تاریخ ادبیات معاصر پیش از سیمین دانشور، امینه پاکروان رمانهایی را در ایران به زبان فرانسه منتشر کرده بود، بدینسان دانشور نخستین زن رمان‌نویس فارسی نگار در ایران است (برساحل جزیره سرگردانی: ص ۵۳۵). دانشور در داستانهایش به تحولات سیاسی

و اجتماعی و انسان معاصر، توجه و نگاهی ویژه دارد. در آثار این رمان نویس فارسی نموده‌های فراوانی از سنت، فرهنگ، هویت، اخلاق، مردمداری و مذهب که با این مرز و بوم مطابقت دارد، باز تاب یافته است. او در داستانها و رمانهایش فرهنگ غرب را به چالش کشانده و بر این اعتقاد است که توجه به هرگونه پیشرفت، تجدد، فناوری و آگاهی اجتماعی در صورتی پذیرفتنی است که با سنت، مذهب، آیین و فرهنگ ایرانی و اسلامی همساز و همگون باشد (تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون: ص ۱۵۱). ایشان برای فرهنگ خودی و سنتهای بومی احترام خاصی قائل بوده و معتقد است که دوری از سنتها و فرهنگ بومی، انسان را به پرتگاه فرهنگ غرب می اندازد، فرهنگی که نتیجه اش تجمل پرستی و آزادی از نوع غربی است که در اصل باید آنرا بی بند و باری نامید.

یکی از روشن‌ترین مواضع اسلام، جانبداری اصولی از علم آموزی، توسعه آموزشی و گسترش دانش‌افزایی در بین دختران و زنان است. با یک نگاه کلی به نظام معارف اسلام، به خوبی در می‌یابیم که جانبداریها و دفاعیات اسلام از تحصیلات و آموزش زنان در مقایسه با سایر مکاتب فکری، فلسفی و دینی جهان بی‌نظیر است. «در دین اسلام اگر چه تفاوت‌هایی بین حقوق و تکالیف زن و مرد دیده میشود، اما هرگز این تفاوتها، جایگاه انسانی زن را از مرد پایین‌تر نمی‌آورد و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام مساوات انسانی را بین زن و مرد رعایت کرده است» (مجموعه آثار، ص ۱۶).

پس از انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای روشنفکری در ارتباط با مسئله زنان در قالب جریان‌های متفاوت دینی و غیر دینی ادامه یافت و گروهها و نشریات مختلفی در داخل و خارج کشور به این موضوع پرداختند. اهداف و عملکردهای جریانهای دفاع از حقوق زنان پس از انقلاب اسلامی را نیز میتوان در قالب سه جریان پی گرفت: نخست، جریان سیاسی غربگرا در دفاع از حقوق زنان است که از حربه دفاع از حقوق زنان به منزله ابزاری در مبارزه با نظام اسلامی سود میجوید. دوم، جریان غیر دینی دفاع از حقوق زنان (جریان سکولار) است که غالباً با انگیزه دفاع از حقوق زنان به مخالفت با قوانین و چارچوبهای دینی میپردازد. سوم، جریان تجددگرایی دینی است که ضمن پذیرش فرهنگ اسلامی و ارزشهای دینی انتظارش از دین و خصوصاً از فقه این است که خود را با اقتضائات و تحولات دنیای مدرن هماهنگ سازد (زن در نگاه روشنفکران: ص ۱۴).

۶- نتیجه گیری

داستان نویسان زن ایرانی، همچون هر زیر فرهنگ ادبی دیگری ابتدا با تقلید از سنت مردانه راه خود را آغاز کرد و در چارچوب نقشهای جنسیتی تحمیل شده به آنان اندیشیده و قلم زده اند. در ادامه راه، اما داستان‌نویسان زن بسیاری تحت تاثیر ایدئولوژی فمینیسم

به درک جدیدی از زنانگی رسیدند و خود صدای اعتراض در برابر سرکوبهای جنسیتی شدند. بازتاب این امر در ادبیات حضور گسترده زنان و دختران در عرصه های داستان‌نویسی و رمان بود. اولین داستانهای زنان در سالهای ابتدای قرن معاصر نگاشته شدند، اما این آثار تنها در سالهای دهه های سی و چهل بخصوص آثار مهشید امیرشاهی و سیمین دانشور، نشانه های تازه ای از زنانه نویسی در خود داشتند.

از طرفی با اینکه در دهه بیست با ظهور سیمین دانشور از طریق انتشار مجموعه آتش خاموش اهمیت پیدا کرد، داستان نویسی رسمی زنان ایرانی بدون شک از دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت، چونکه در این دهه نام هشت داستان نویس زن به چشم میخورد.

بنا بر آنچه در زمینه ادبیات در دهه های گذشته اتفاق افتاد، داستان نویسان زن ایرانی با عبور از مراحل مثل احساسات‌گرایی افراطی و عدم خلاقیت به جایگاهی مناسب برای مطالبه حقوق برابر رسیده و میتوان گفت که حتی از آن هم گذر کرده و در دهه های هفتاد و هشتاد به شناختی دیگرگونه از هویت فردی و موقعیت خود در جامعه دست یافت و با ورود به دوره مدرن و رویارویی با مسائلی از جمله مقوله هویت، که از مفاهیم خاص این دوره است، به باز تعریف جایگاه و نقش خود در خانواده و جامعه پرداخت و از این طریق مفاهیمی اینگونه را، که هسته اصلی تفکرات ایشان را شکل میدهد، وارد آثار و نوشته های داستانی خود کرد.

همچنین دهه هفتاد را باید دهه ای برای محکم کردن جای پای زنان در بستر ادبیات داستانی دانست، اما این جریان رو به رشد در دهه هشتاد به شکل مستقلی از ادبیات داستانی فارسی تبدیل شد که با آنچه مردان مینوشتند تفاوت‌های آشکاری داشت. بنابراین میتوان دهه هشتاد را آغاز زنانه نویسی نامید.

و اما مهمترین یافته های این پژوهش این است که، در عرصه ادبی دوره بعد از انقلاب اسلامی را میتوان دوره تثبیت جایگاه زنان در حوزه داستان‌نویسی به شمار آورد. زنان نویسنده در این سالها، علاوه بر رشد کمی آثارشان، با آزمودن فرمها و مضامین نو، موجب رشد کیفی این آثار گردیدند.

منابع و مأخذ

- ۱- از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- ۲- اگر زنان با مردان برابرند پس چرا؟، فالودی، سوزان، ترجمه زهره زاهدی (۱۳۷۲)، مجله زنان، ش ۱۲
- ۳- «امنیت قضایی زنان در ایران»؛ کار، مهرانگیز، (۱۳۷۶)، مجله ایران‌نامه، ش ۵۹.

- ۴- آتش خاموش. دانشور، سیمین، (۱۳۷۷). تهران، انتشارات خوارزمی
- ۵- ادبیات داستانی، رمان و واقعیت اجتماعی، زرافا، میشل، مترجم نسرذین پروینی (۱۳۶۸)، چاپ اول، تهران، انتشارات گوته.
- ۶- انقیاد زنان، میل، جان استورات، مترجم علالدین طباطبایی (۱۳۷۹)، تهران، هرمس.
- ۷- ایران در جستجوی مدرنیته، جهاننگلو، رامین (۱۳۸۴)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز
- ۸- باز نمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۴)
- ۹- بر ساحل جزیره سرگردانی، دهباشی، علی (۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن
- ۱۰- به سوی جامعه ای نوع دوست تر، در نگاهی به فمینیسم، سیدل، روث، ترجمه موسسه فرهنگی طه ۱۳۷۹، قم انتشارات معاونت امور اساتید ج اول
- ۱۱- به کی سلام کنم، دانشور، سیمین، (۱۳۵۹)، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی
- ۱۲- تاریخ اندیشه‌های تربیتی، مایر، فردریک (۱۳۷۴)، ترجمه علی اصغر فیاض، تهران: سمت
- ۱۳- تاثیر انقلاب اسلامی در تبیین نقش زن در ادبیات داستانی بانوان و مقایسه آن با دوران پیش از انقلاب، موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۰)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۴- تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور، قبادی، حسینعلی (۱۳۸۸)، فصلنامه نقد ادبی، ش ۶، ۱۵۰-۱۸۳.
- ۱۵- تحول خود آگاهی در آثار داستان نویسان زن ایرانی بر اساس نظریه آلن شووالتر، شهبازی، مهشاد و همکاران (۱۳۹۷)، مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره ۲
- ۱۶- جامعه شناسی آموزش و پرورش، علاقه بند، علی (۱۳۹۰)، تهران، انشارات آگاه
- ۱۷- جامعه شناسی و آموزش و پرورش، علاقه بند، علی (۱۳۹۰)، تهران: انتشارات بعثت
- ۱۸- جامعه‌شناسی سیاسی؛ بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، تهران: نی
- ۱۹- جنبش حقوق زنان در ایران، ساناساریان، الیز، مترجم نوشین احمدی خراسانی (۱۳۸۴)، چاپ اول، تهران، نشر اختران
- ۲۰- جزیره سرگردانی، دانشور، سیمین، (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۲۱- «جنبش زنان؛ مفهومی نظری یا واقعیتی جامعه‌شناختی»؛ اردستانی، علی (۱۳۸۵)، مجله چیستا، شماره ۲۲۷.
- ۲۲- چون سبوی تشنه، یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، تاریخ ادبیات معاصر فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامی
- ۲۳- «چهار تلقی از فمینیسم»؛ جگر، آلسیون (۱۳۸۲)؛ ترجمه س. امیری؛ مجله زنان، شماره ۲۸
- ۲۴- حتی وقتی می خندیم، وفی، فریبا (۱۳۹۱)، تهران مرکز
- ۲۵- دل‌بستگی به معلم درگیری تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر، لواسانی، مسعودغلامعلی، (۱۳۹۴)، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، (۲) ۶

- ۲۶- درس نامه نظریه و نقد ادبی، گرین، گیت و جیل لبیهان، مترجم فاطمه حسینی (۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران، نشر روز نگار.
- ۲۷- راهنمای نظریه ادبی معاصر، مخبر، عباس (۱۳۸۴)، تهران، طرح نو.
- ۲۸- روش تحقیق کیفی، محمدپور (ج ۱)، احمد (۱۳۹۰)، جلد اول، نشر جامعه شناسان، چاپ اول، تهران.
- ۲۹- زن و ادبیات سیاسی ایران، رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۵.
- ۳۰- زنان بی گذشته، احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۷۷)، تهران، نشر توسعه.
- ۳۱- زن در نگاه روشنفکران. تشکری. ز. ، ۱۳۸۱، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم.
- ۳۲- ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، اعزاز، شهلا، ۱۳۸۳، مجله رفاه اجتماعی، ش ۱۴، ص ۹۶-۵۹
- ۳۳- سووشون، دانشور، سیمین، (۱۳۹۰)، چاپ ۱۷، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۳۴- «سیمای زن در پویه تاریخ ایران»؛ رهبر، علی؛ (۱۳۸۲)، مجله فرهنگ، ش ۴۸.
- ۳۵- شهری چون بهشت، دانشور، سیمین، (۱۳۸۱)، چاپ ۱۷، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۳۶- عصر اطلاعات، قدرت هویت، کاستلز، ایمانوئل، (۱۳۸۲)، ترجمه حسن چوشیان، تهران طرح نوج دوم
- ۳۷- فراسوی پست مدرنیته، حقدار، علی اصغر (۱۳۸۰)، چاپ اول، تهران، انتشارات شفیعی.
- ۳۸- فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی بر ادبیات ایران، توکلی، نیره (۱۳۸۲)، نامه انسان شناسی شماره ۳
- ۳۹- فرهنگ پیشرو آریانپور؛ آریانپور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، تهران نشر جهان رسانه
- ۴۰- فمینیسم؛ قم: مرکز پژوهش های صدا و سیما. جمعی از نویسندگان؛ ۱۳۸۵
- ۴۱- «فمینیسم»؛ رضوانی، محسن؛ (۱۳۸۲)، مجله معرفت، ش ۶۷،
- ۴۲- «فمینیسم در گذشته و حال»؛ روزنبرگ، پل؛ (۱۳۸۶)، مجله سیاحت غرب، ش ۵۱،
- ۴۳- «فمینیسم» در: مجموعه مقالات فمینیسم و دانش های فمینیستی، محمدرضا زیبایی نژاد، ص ۱۳۷
- ۴۴- داستان نویسان معاصر ایران، قاسم زاده، محمد (۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند.
- ۴۵- مجموعه آثار، مطهری، مرتضی، جلد پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۸۱-
- ۴۶- مقایسه منزلتهای هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی، موسوی، سیده فاطمه و همکاران، (۱۳۹۴)، فصلنامه پژوهش های کاربردی روانشناختی، (۱) ۶
- ۴۷- نقش جریان های هویت ساز روشنفکری در توسعه حوزه ی عمومی ایرانی، عبداللهیان، حمید و زهرا اجاق (۱۳۸۵)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۸

- ۴۸- نشانه های فمینیسم در آثار سیمین دانشور، حسن لی، کاووس ۱۳۸۶ مجله مطالعات زنان، ش ۱، ص ۵ تا ۲۵
- ۴۹- نگاهی گذرا بر فعالیت های بانوان داستان نویس در دو دهه اخیر، رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۸) اربیات داستانی، شماره ۵۱
- ۵۰- نظریه و روش در تحلیل گفتمان، بارت، فیلیپس، لوئیز و ماریان یورگسن ۱۳۸۹، مترجم، هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- ۵۱- نقد تطبیقی دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار، تاجبخش، پروین و همکاران (۱۳۹۳)، ویرجینیا وولف و سیمین دانشور در آثار داستانی، مجله پژوهش های ادبی و بلاغی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶
- ۵۲- Islamic feminism? What's in a name? Preliminary Reflectins, About bakr, Omam (2001), In <http://www.amews.Org/review//reviewarticle>
- ۵۳- Destabilizing Theory: Contemporary Feminist Debates, Barrett M. and A. Philips (1992), London: Polity press.
- ۵۴- What is feminism ?, Delmar. R.(1989). Oxford
- ۵۵- Feminism is For Everybody: Passionate Politics, Hooks, Bell.(2000), Cambridge: South End Press.
- ۵۶- Defining Feminism, Offeen.K.(1988), Vol 14, Londont
- ۵۷- Domestic Violence, Martin, D (1985), In sinkin D.j , Martin D.Robinson & V . Robinson (eds). Introduceing Womens S tudies London MACMILLAN.AN PP99.123
- ۵۸- Transforming Feminisms: ISlam, Women, and Gender Justice, Shaikh, Sadiyya (2003), in Omid safi(ed). Progressive Muslims. Oxford:One World.
- ۵۹- Untangling Feminist Theory, Stacey, Jackir(1993), In Richardson D. & Robinson V .(eds). Introduceing Womens London MACMILLAN.
- ۶۰ Gender Islmic Fundamentalism: Feminist politics in Iran Tohidi,Nayere(1994), Newyork:Bloomington 1994